

هشدار خیلی مهم درباره شکنندگی جامعه ایران | از دولت فرسوده و ملت بی‌دولت در فضای مجازی تا بازگشت به تجربه‌های سابق و خشن برای ایجاد تغییر
یک عضو هیات علمی گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران جامعه ایران را شکننده می‌داند، چون دولت فرسوده است، فضای مجازی تبدیل به جمهوری دوم شده و بی‌معنا شدن صندوق‌های رای مردم را به تجربیات گذشته یعنی انقلاب و ترور و دخالت خارجی برای ایجاد تغییر سوق می‌دهد!

هشدار خیلی مهم درباره شکنندگی جامعه ایران | از دولت فرسوده و جامعه بی‌دولت در فضای مجازی تا بازگشت به تجربه‌های سابق و خشن برای ایجاد تغییر
دستگاه فیزیوتراپی خانگی با تکنولوژی smartware و حمل آسان (هزینه دکتر نده و درد رو تحمل نکن)
yektanet

رویداد ۲۴ | عبدالامیر نبوی، عضو هیئت علمی گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران در این هشتمین نشست موسسه رحمان با عنوان «آینده، دولت و جامعه در ایران؛ شکنندگی یا پایداری» سه بحث را مطرح می‌کند.

۱. دولت فرسوده. او می‌گوید: «در چند دهه اخیر ناظر به تحولات کشورهای افغانستان، یمن، سوریه، لیبی و... تعبیر فرومانده یا ورشکسته برای دولت بسیار رواج داشته است، اخیراً هم گفته می‌شود که ایران باتوجه به مسائل اجرایی، همین حال را تجربه می‌کند و در وضعیت شکنندگی قرار دارد. مفهوم ضعف با ورشکستگی یک مفهوم کارا، اما عام است. برای ایران می‌توان از مفهوم فرسودگی استفاده کرد که بخشی از آن، ناظر به میانگین سنی مسئولان است.»
نبوی در ادامه به ۵ ویژگی برای دولت‌های فرسوده اشاره کرد. «یکم: در عین حال که به حفظ امنیت و رفاه شهروندان علاقه‌مندند، توانایی کافی در این زمینه ندارند. دوم: تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به‌شدت کند و محتاطانه است و قدرت ریسک‌پذیری پایینی دارد. سوم: بیش از آنکه برای آینده برنامه‌ریزی کند، به سمت بازخوانی گزینشی گذشته می‌رود. چهارم: بیش از آنکه به تعامل و مدیریت تغییر بپردازد، به کنترل و حفظ وضعیت موجود فکر می‌کند. پنجم: نکته اشتراک و وفاق را احترام به خود می‌داند.»

به اعتقاد او، در این وضعیت دولت‌ها، آمادگی ذهنی و عملی برای رویارویی با بحران‌ها و مشکلات را ندارند و در مقابل سعی می‌کنند نیروهای سیاسی - اجتماعی را ساکت کنند. نتیجه این می‌شود که ساده‌ترین مشکلات در کوتاه‌مدت تبدیل به بحران می‌شود.

این عضو هیئت علمی گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران معتقد است که دولت فرسوده، جامعه را هم فرسوده می‌کند و در ادامه به موج اعتراضات سال ۱۴۰۱ اشاره کرد.

۲. کنشگری اینترنتی. او می‌گوید: «تحولاتی که دست‌کم از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از سال ۸۸ به این سو شاهد بودیم، منجر شده تا کنشگری اینترنتی بیشتر از قبل شود. کنشگری اجتماعی سریع و ارتباطی به متغیرهای زمینه‌ای مثل سن، جنس، توانایی شغلی و مالی و... ندارد. مهاجرت گسترده بیش از آنکه از ایران به خارج از کشور باشد، از ایران به فضای مجازی رخ داده است. من معتقدم که ما دو جمهوری داریم. یکی جمهوری اسلامی ایران که روی زمین است و یک نظام سیاسی، انتخابات، روزنامه و... دارد و دوم جمهوری مجازی است که زندگی واقعی سیاسی و اجتماعی آنجاست.»

او توضیح می‌دهد: «اظهار نظر و تنوع و تکثر در این فضا دیده می‌شود، نه در خیابان. این دو جهان مانند دوقلوهای بهم‌چسبیده‌اند. مباحث جاری در هر دو جریان دارد و ناراحتی‌ها، نگرانی‌ها، پرسش‌ها و تردیدها در آن دیده می‌شود. جمهوری اول تلاش می‌کند جمهوری دوم را در کنترل خود بیاورد، چون ممکن است در جمهوری دوم، نهادهایی شکل بگیرد که برای جمهوری اول خطرناک باشد. در جمهوری دوم، خطرناک‌بودن فعالیت یک جمعیت خیریه، کمتر از یک جاسوس نیست و پویایی جامعه در جمهوری دوم دیده می‌شود؛ بنابراین ما در این وضعیت با دولتی مواجهیم که گویا ملت ندارد و از آن طرف ملتی داریم که گویا دولتی ندارد. در فضای مجازی بحث‌های کم‌هزینه‌تر برای تغییر رواج دارد؛ از فرمول‌های محافظه‌کارانه تا راه‌حل‌های رادیکال.»

او می‌گوید: «از آنجایی که ادامه حیات برای دولت بی‌ملت، دشوار است، آن‌ها از سه طریق فضای مجازی یا همان جمهوری دوم را در کنترل قرار می‌دهند؛ یکی از طریق نمایش کارآمدی است، دوم افزایش فشارها از طریق فیلترینگ و سوم فضا سازی سایبری با استفاده از گردان‌هایی که شایعاتی راه می‌اندازند تا منتقدان و مخالفان را بی‌اعتبار کنند. هر سه روش، در حال حاضر در حال انجام است.»

۳. قواعد پایدار تغییراتی سیاسی در ایران. او می‌گوید: تا قبل از انقلاب موفق ۵۷، برای تغییرات بزرگ سیاسی سیل‌گونه، سه قاعده و روش وجود داشت. یکی ترور بود، یکی دخالت خارجی و یکی هم انقلاب. بعد از انقلاب به‌درستی گفته شد که تغییرات سیاسی بزرگ، نتیجه‌بخش نیست. ورود سرباز خارجی در سال ۱۳۲۰، استقلال کشور را از بین برد، ترور روش بی‌فایده‌ای است و شورش یا انقلاب، یک خوبی دارد و صدها دردسر؛ بنابراین بهترین راه انتخابات است. از سال ۵۷ به‌بعد قرار شد، جامعه مسائلتش را از طریق صندوق رأی حل کند. اما وقتی صندوق رأی بی‌معنا شود، یعنی در فرآیند کلی سیاست‌گذاری و تغییرات اتفاق خاصی نیفتد، جامعه به سمت تجربه‌های سابق برمی‌گردد، یعنی فعالیت‌های خشونت‌آمیز مانند شورش یا درگیری‌های مسلحانه و بدترین حالتش هم استقبال از سرباز خارجی و دخالت نظامی است.

به‌نظر می‌رسد جامعه در حال تأمل در این مسائل است و نگرانی‌ای که ایجاد می‌کند این است که هزینه‌های آن برای استقلال و تمامیت ارضی کشور خطرناک است و همه این‌ها با تحولات شتاب‌زده منطقه پر آشوب به‌نام خاورمیانه پیوند خورده است. تنها

چیزی که ضمانت‌بخش استقلال و تمامیت ارضی است، بازگشت دولت و حکومت و نظام سیاسی به سمت جامعه است. در هیچ جای دنیا، جامعه به سمت دولت نمی‌رود بلکه این حکومت‌ها هستند که به سمت جامعه می‌روند».